

# میراثِ مستور

(یادداشت‌هایی در فرهنگ، ادب و اسطوره)

مؤلف:

مهدی سعیدی



|                     |                                                                           |
|---------------------|---------------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | : سعیدی، مهدی، ۱۳۶۷                                                       |
| عنوان و نام پدیدآور | : میراث مستور: (یادداشت‌هایی در فرهنگ، ادب و اسطوره) / نویسنده مهدی سعیدی |
| مشخصات نشر          | : تهران، آرون، ۱۴۰۱                                                       |
| مشخصات ظاهری        | : ۱۰۸ ص.                                                                  |
| شابک                | : ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۳۱۷ - ۰۶۵ - ۲                                               |
| وضعیت فهرست‌نویسی   | : فیبا.                                                                   |
| عنوان دیگر          | : یادداشت‌هایی در فرهنگ، ادب و اسطوره                                     |
| موضوع               | : مقاله‌های فارسی - قرن ۱۴                                                |
| موضوع               | : Persian essays - ۲۰ th century                                          |
| رده‌بندی کنگره      | : PIR ۸۳۴۸                                                                |
| رده‌بندی دیوبی      | : ۸ فا ۴ / ۶۲                                                             |
| شماره کتابخانه ملی  | : ۹۰۳۳۲۹۷                                                                 |



## میراث مستور

(یادداشت‌هایی در فرهنگ، ادب و اسطوره)

نویسنده: مهدی سعیدی

ناشر: انتشارات آرون

چاپ سوم: ۱۴۰۳

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

۱۲۰۰۰۰ تومان

نشانی: میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان وحید نظری

نرسیده به خیابان منیری جاوید، پلاک ۱۰۵، واحد ۳ تلفن: ۵۱ - ۶۶۹۶۲۸۵۰

ایمیل: Arvannashr@yahoo.com وبسایت: www.Arvanashr.ir

۹۷۸ - ۶۲۲ - ۳۱۷ - ۰۶۵ - ۲

## فهرست مطالب

|    |                                   |
|----|-----------------------------------|
| ۷  | مقدمه                             |
| ۱۱ | پی‌نوشت‌ها                        |
| ۱۳ | سخنی با دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن |
| ۱۵ | فرهنگ ایران                       |
| ۱۶ | زبان و ادبیات فارسی               |
| ۱۶ | فردوسی و شاهنامه                  |
| ۱۸ | پی‌نوشت‌ها                        |
| ۲۰ | کارنامه زرین زرین کوب             |
| ۲۷ | پی‌نوشت‌ها                        |
| ۲۸ | دیروز یا فردا؟ کدام یک؟           |
| ۳۷ | پی‌نوشت‌ها                        |
| ۴۱ | میراث مستور                       |
| ۵۳ | پی‌نوشت‌ها                        |
| ۵۷ | کتاب                              |
| ۶۶ | پی‌نوشت‌ها                        |

- ۶۷ ..... اسطوره‌ها علامت می‌دهند  
 ۶۹ ..... اسطورهٔ اِکو (echo) در نردگان  
 ۷۱ ..... اسطورهٔ آناهیتا در آرنه‌ها  
 ۷۴ ..... پی‌نوشت‌ها  
 ۷۷ ..... شب چله  
 ۷۸ ..... شب چله، یلدا و کریسمس  
 ۷۹ ..... شب چله، اسطوره‌ها و آیین‌ها  
 ۸۱ ..... پی‌نوشت‌ها  
 ۸۳ ..... چرا در شب‌های چله، شاهنامه می‌خوانیم؟  
 ۸۵ ..... دلیل اسطوره‌شناختی شاهنامه‌خوانی در شب‌های چله  
 ۹۱ ..... پی‌نوشت‌ها  
 ۹۳ ..... راه دشوار فرهنگ و کجاوه ناهم‌لنگ آموزش و پرورش  
 ۱۰۷ ..... پی‌نوشت‌ها

## مقدمه

«میراثِ مستور» حاوی چند یادداشت و مقاله است که فشرده‌ای از آنها قبلاً در روزنامه‌هایی چون اطلاعات، ابتکار، خبر جنوب، ابتکار جنوب و همدلی و نشریاتی مانند تاریخ‌اندیش چاپ شده و اینک، با جرح و تعدیل، مجدداً به چاپ سپرده می‌شوند. در یک تقسیم‌بندی کلی، آنچه را در کتاب آمده، می‌توان در سه دسته قرار داد:

دستهٔ اول، یادداشت‌ها و مقالات مربوط به فرهنگ و ادب، شامل: سخنی با دکتر اسلامی ندوشن، کارنامهٔ زرین زرین‌کوب، دیروز یا فردا؟ کدام‌یک؟، میراثِ مستور (دربارهٔ چند منظوری زبان و ادبیات فارسی و اهمیت آن در حفظ و تداوم فرهنگ ملی) و کتاب.

دستهٔ دوم، شامل یادداشت‌ها و مقالات اسطوره‌شناختی، از جمله: اسطوره‌ها علامت می‌دهند، شب چله و چرا در شب‌های چله شاهنامه می‌خوانیم؟

دستهٔ سوم، حاوی یک مقاله دربارهٔ فرهنگ و آموزش با عنوان راه دشوار فرهنگ و کجاوهٔ ناهم‌لنگ آموزش و پرورش.

با وجود تفاوت‌هایی که در موضوع یادداشت‌ها و مقالات احساس می‌شود، اما سعیم بر این بوده که همه آنها را با رشته باریک و نامرئی‌ای به نام «موجودیت ایرانی»، یا «ذخایر درونی فرهنگ ایران»، پیوند دهم و بر سر یک سفره بنشانم. از این حیث، می‌توان گفت اگر یادداشت‌ها و مقالات کتاب حاضر، در موضوعات، چون شاخ و برگ متفاوت‌اند، اما در ریشه یگانه‌اند.

اما، بنا به دو دلیل، بازنشر این یادداشت‌ها و مقالات را خالی از فایده نمی‌دانم:

۱. اول آنکه به‌قولِ آندره ژید، بازتکرار خیلی از مسائل، ضرورت دارد، زیرا گوشِ شنوایی نبوده که آنها را بشنود. از عاداتِ انسان است که مسائلِ مهم، ولی به ظاهر ساده، معمول و رایجِ زندگی خود را واقعی نمی‌نهد و تا زمانی که همین مسائل به ظاهر ساده و رایج، در سراسیمه‌ی نیفتند و زندگی او را دچار اختلال نکنند، در فکرِ تتبع، بازنگری و احیاء آنها بر نمی‌آید (۱). نمونه ساده و رایجش «سلامتِ جسم» است؛ انسان، تا از سلامتِ جسم برخوردار است، در فکرِ صیانت از آن نیست؛ اما مادامی که همین «موهبتِ معمول و رایج» دچارِ عارضه‌ای شود، به تقللاً می‌افتد و تمام تلاشی خود را، برای رفع عارضه و بازیافتن دوباره آن، به کار می‌گیرد. از نمونه‌های دیگرش، همین مسائلی است که در این کتاب به شرحشان پرداختم:

- سلامتِ زبان: انسان تا در گفتار و نوشتار و به تبع آن ارتباط با جهانِ پیرامونِ خود، دچار مشکل و ضعف نشود، به فکر شناخت، آموختن و تربیتِ زبانِ خویش بر نمی‌آید.

- سلامتِ روح و قوّتِ تفکّر و استدلال: انسان، تنها زمانی که احساس کند دچار ضعفِ دِماغی و استدلال‌های عمیق شده است، درصددِ جبران برمی‌آید و در پی تحقیق و تفحص می‌رود و سراغی از کتاب می‌گیرد. کتاب، یکی از مهمترین عواملِ فکر افروزی و تصفیۀ روح و تقویتِ روان است.

- سلامتِ فکری اجتماع و مسأله‌ هویت: در سده‌های نزدیک به اکنون، یکی از مسائل مهمی که دست و پا گیر مخصوصاً قشر جوان جامعه شده، همانا مسائل مربوط به کیستی و چیستی است؛ اینکه در این جهان بی‌در و پیکر و شتابنده، نقطهٔ اتکاءِ این جوان، کجا و چه چیزی است؟ از کجا آمده، در چه جایگاهی قرار دارد و زین پس به کجا خواهد رفت؟ اگر انسان عصر مدرن - با همهٔ نورافکن‌هایی که بر مغز او گذارده شده و همهٔ ترقی‌هایی که از جهتِ زندگی مادی کرده - باز هم احساس گنجی، سرگردانی و نا آرامی می‌کند یک علتش روی گردانی او از تاریخ حیاتِ خود، قوم خود و در زمرهٔ آسمان‌شبانۀ دانستنِ اینهاست. بازگشت به تاریخ و جستجو در آن، برای به فرهنگ درآوردنِ نقاطِ برجسته‌اش، لابد یکی از راه‌های ایجادِ تعادل و در نتیجه علاجِ بیماری‌های اجتماعی، هویتی و هستی‌شناختی خود است. تردیدی نیست که گنجی و سرگردانی او در مسألهٔ هویت، یک علت عمده‌اش، انقطاعِ او از تاریخ بوده. اینکه در کتابِ حاضر، مدام از تجدّد و تاریخ سخنی به میان می‌آید، به همین دلیل است. راست است که می‌گویند: فاقد هستی که شویم، عصبیت و نا آرامی اوج می‌گیرد (۲)

۲. انتشارِ هر کتابی (ولو اینکه چندان حرف تازه‌ای هم برای گفتن نداشته باشد)، در عصری که به همه چیز از دریچهٔ «بازده اقتصادی» نگاه می‌شود، به مثابهٔ برفرورزیدنِ چراغِ دانایی و نمادی از تلاش و کوشش (۳) و مخصوصاً نوعی «کنجکاوی» در جامعه است. به‌طور کلی اگر جوّ حاکم بر جامعه، با حسّ کنجکاوی و در نتیجه «پژوهش» آمیخته نباشد و در آن فعالیتِ جستجوگرانه‌ای که نشانه‌ای از وجودِ «حسّ نیاز به ترقّی» باشد، صورت نیندد، می‌توان فهمید آن جامعه، جامعه‌ای مُرده است. به عبارتی، اگر جامعه، نسبت به پیشرفت‌های دیگر جوامع، دچار نوعی «بی‌حسی» و «بی‌اعتنایی و بی‌تفاوتی» شود، مسلماً این جامعه، جامعه‌ای مُرده، فاقدِ اراده و در نهایت «مصرفی» و میهمانِ سفرهٔ دستاوردهای فکری (فنّ و تکنولوژی) دیگر جوامع خواهد شد (۴) و این غم‌انگیزترین آینده‌ای است که برای یک جامعه می‌توان متصور شد؛ زیرا برای همیشه در گورستانِ تاریخ دفن می‌شود و به دیارِ خاموشان خواهد پیوست.

باری، اگر کتاب پیش رو، توانسته باشد به سهم خود، خاطری را تشحیذ کند و در روح پژوهشِ جامعه، بدمد، نگارندهٔ این سطور مزدِ خود را گرفته است.

مهدی سعیدی

پاییز ۱۴۰۱

## پی‌نوشت‌ها

۱. نقل به معنی از کتاب اسطوره‌کاوی عشق در فرهنگ ایرانی، نامور مطلق، ۱۳۹۸، ص ۱۰۱، نشر سخن.
۲. نقل به معنی از کتاب جامعه فرسودگی، جامعه شفافیت، بیونگ چول هان، ترجمه محمد معماریان، ۱۴۰۰، چ ۶، ص ۴۰، نشر ترجمان.
۳. انتشار کتاب در عصر ما، شبیه داستان پرنده و آتش نیز می‌تواند باشد؛ می‌گویند وقتی ابراهیم(ع) را به آتش انداختند، پرنده‌ای کوچک پروازکنان می‌رفت و در منقار خودش آب جمع می‌کرد و می‌آمد و بر آن آتش عظیم، چند قطره آب می‌ریخت. خاموش نمی‌شد، اما کارش را انجام داده بود. (نگاه کنید به کتاب «پرنده و آتش»، مهدی سلیمانی و لیلا طباطبایی یزدی، ۱۴۰۰، ص ۵ (صفحه تقدیمی)، نشر آرما.
۴. نقل به معنی از کتاب دیروز، امروز، فردا، اسلامی ندوشن، ۱۳۹۶، چ ۳، صص ۶۷-۶۸، نشر سهامی انتشار.